



حرکت های سیاسی زنان پیش از مشروطه

۱- واقعه تنباکو: پس از انعقاد معاهده رزی بی ایران و انگلیس در سال ۱۳۰۹ ق. م که ناصرالدین شاه و درباریان وقت، استیضاح دخانیات در تمام مملکت را به منظور تأسیس واکفا کردند، انگیزه های متفاوتی آشکار و مشخصی را در رهبری روحانیان و ضد این ابتیاز برانگیخت و طی آن اولین حرکت مردمی و سیاسی به ضد سیاست های دربار استعماری و مجال ظهور یافت که نهایتاً منجر به لغو امتیاز رزی گردید.

زنان نیز از آغاز تا پایان این مبارزه، فعالانه در حلقه های مختلف مملکت حضور داشتند. به گونه ای که وقتی خبری رسید که شاه به میرزا آشتیانی انعام مجت کوه است که با باید در ملا قلیان بکشد و از این خارج شود و به عنایت برود، زنان پیشاپیش مردان به اعتراض ایستادند و میخواستند که برپادارند. این موضوع (اصطلاحاً سلفه استعزازی میرزای آشتیانی میباشند (تهران) امری می شود و ضمن اعلام حمایت از حقوق زنان، زنان را به شرکت در این حرکت نیز تشویق می کنند. برای هر مردان، آنگاه به بستن بازار می کشند.

پس از این اقدام مؤثر که موجب صلح صلح صلح حیات اقتصادی ایران بپوشید بود، زنان برای به حرکت در آوردن مردان تمام سرها را ز روی چادرها لجن گرفته فریاد و فغان گران رویه را در کوفت میزدند و با حالت گریه و زاری به سمت در کوفت رفتند. زنان آشکارا و بی محابا به هتاک و توهین به شاه پرداختند. علاوه بر همکاران زنان حرم شاه نیز در تحریر تنباکو شرکت جستند و حکم میرزا شیرازی، اندرون شاه را نیز تحت تأثیر قرار داد آنجا که قلیان ها را کشتند و در برابر اعتراض شاه گفتند: همان کسی که ما را به شما حلال کرده، همان کسی قلیان را تا در آراه خارج مذهب است ما به حرام کرده می دهند. مردم شرکت زنان در اعتراض به امتیاز تنباکو تنها منحصراً به زنان تهرانی نبود، در شهرهای دیگر نیز زنان به صورت جدی، نشر و انجبار خود را از زند چینیان فرار دادی اعلام داشتند.

مردان به اعتراض و به باطن هم روزها تلگرافات تهدیدآمیزی در رابطه با فسخ این قرارداد به تهران بخاره می کردند، دلیل عمده تعرض جدی به زنان مسوولان دولتی کشور بود که مأموران به واسطه انحراف دانستن زنان، حتی المقدور از آن خردوداری می کردند. همچنین چون در عرف اجتماعی زنان از ضمیمه میباشند، مأموران دولتی نیز چون شاد می دانستند که با این کار گلوژی شوند و از سوی دیگر گزینی از تحریک و شتم مردان به دلیل حرمت تنباکو میسر می شود. خوردن چربی میان آید و همین امر موجب پیشینه شدن کار در اعتراضات دیگر نیز بود. این اقدامات که در صورت نیاز به مخالفت با دولت، بلافاصله و به سرعت انجام می شد، حالت کامیبه بسیار خطرناک و مستفهم کننده بود.

۲- فصلی بزرگ سال ۱۳۲۷ ق. م بحران ها و مشکلات اقتصادی دوران قاجار، موهاره خرابی بود، مردم تنگ می کرد و گزینی آن بر حاکمیت ایران منتهی می شد. طحلی و مشکلات مالی و اقتصادی طمع دولتداران و خوشحالی با به احتکار طلا و فروش آن به بهای گزاف به گرسنگی مردم دامن می زدند. مهم ترین عامل کمبود نان در آن وقت بود و اعتراض به وضع برابری از پیشینه بود و به طرف مختلف به این امر نا رضایتی نیز پرداختند. آنان برای رسیدن به ساختن وجدان دولتداران، بست می نمودند و بالاخره یک بار دو هفته گرسنگی مردم گروه به پیشروان انگلیسی و گریه و سفاکت فرمودند. زنان این قول با شایع شدن این ناطقین تا سخن میگویند. آنان در یکی از دست به خودختی می زدند. در یکی از اعتراض های زنان، چند هزار زن آشکارا کالسکه ناصرالدین شاه را در کوفت برمی کشیدند و می گسردند و از مسوولان می خواستند تا به وضع ناسامان نان و سرسره سمانی دهند و دیگر برای رسیدن به شاه باید با محافظان روبرو و تکریم می شدند. با وعده هایی که شاه برای رفع مشکل آنان می داد، کالسکه ها اعلام عبور و مرور می کردند. این اعتراض ها به خصوصاً کاسه میرزا یاقوب السلطنته که در آن زمان تأیید می شوند.

در زمان مظفرالدین شاه نیز تیزترین یکی از جدی ترین اعتراضات است. پس از اعلام نیت خود به ناسامان نان و بیوقوف می بودند. زنان در غوغای تیزترین این نان که منجر به شورش مردم و منتهی‌المراد تمام علمای و روحانیان و مستدعیان به اینبارها بود. تعدادی از زنان اشرافی اعلام امضی نمودند. این امر چنان تیز شد که پیش از این اعتراض به قهر داد رزی پیشروان نیز تیز بود. این زنان و بان به عهده داشتند (۱) البته نمی توان از این واقعات و رویدادها که به بخشی از این اعتراض ها به صورت گردیدند جنبش های قیام سیاسی برای برابری سائین زنان با همکاران کس و شهر و گفتار استخوانی چند اجماع می شد که معمولاً تأثیرات آن در زمان نهضت مشروطه می بود.

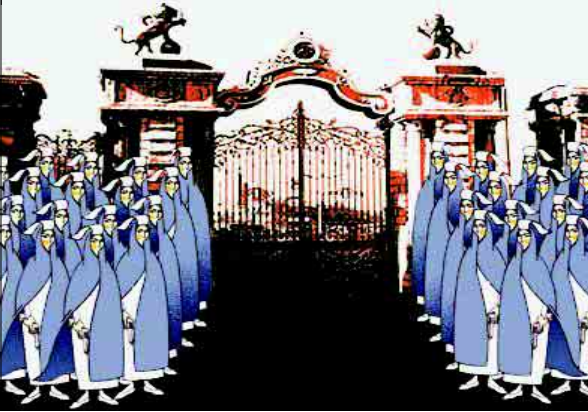
رویدادهای پیش از این نهضت مشروطه تلاش و جانبازی

زنان و مشروطه ایرانی

فخر السادات محتشمی پور

پژوهشگران تاریخ در بررسی دوره های مختلف تاریخ ایران از جمله دوره معاصر، کامیاب با مشکل اساسی ضعف اسناد و مدارک مواجهند و در دوره هایی که منابعی برای مطالعه وجود دارد. اخیراً شد و نقیض کار مخفی در قضاوت سخت می کند. از این رو بسیاری از پژوهشگران تاریخ هنوز هم با استفاده از شیوه نگارگری طبری. ترجیح می دهند اقوال مختلف را بدون تحلیل و ارزیابی در معرض دید خواننده قرار دهند. اما باید دانست تحقیقاتی از این دست، جاذبه لازم برای خواننده ندارد و از آن مهم تر که کاربردی کردن این علم و ایجاد ارتباط آن با زندگی اجتماعی مردم این زمانه هیچ کمکی ندارد. بنابراین امروزه بازخوانی تاریخ با هدف دستیابی به اطلاعاتی در حوزه های مختلف، به ویژه گاه های از راه اندیشه ها و رویه و شیوه زندگی مردم، در نهایت مستنداتی برای این تحلیل ها در اختیار عالمان و محققان قرار می دهد. بلکه برای ما مغربین علمای با هدف شناختن این امکان نوبه به تسلیل و تسووع منابع خصوصاً توجه بیشتر به تاریخ اجتماعی در مطالعات تاریخ معاصر فراهم تر است.

از سوی دیگر در جهان امروز دیدگاه زانهنگر، رنگ چنان را می دهد که دل آنکه توسط مردان و ممتاز از دیدگاه های مردسالار نگاشته شده می یواند برای واقعیت ها از حد فرود و در نگاه شوخ بیانه مورد غفلت قرار داده باشد. با تردید می پذیرد و معتقد به ضرورت جست و جوی برای یافتن قطعات گم شده و حلقه های مفقوده تاریخ با استفاده از سار علوم مرتبط، برای ارزیابی حقیقت است. اما با همان فرض پیشین، به آنچه از گذشته به دست ما رسیده نمی توان امید چندانی بست. بلکه باید برای تاریخ نگاران معاصر این امکان فراهم آورد که پیش و نگارش لازم را کسب کرده شرط امات داروی را ثبت و ضبط وقایع نگاه دارند. از این صورت حتی اگر تحلیلی صورت بگیرد، آینهنگار خود در مورد نقشن نشان از تاثیر گذاران آنها در عرصه های مختلفه اجتماعی معاصر خواهد داشت. با ذکر این مقدمه، دیدگاه اندام خود نشان نقش زنان در تاریخ ایران را در زمینه به نامی به خامه وقایع نگاران قضاوت می نماید. بلکه همان اندک شواهد نیز مورد غفلت می بری اندیشه پیروزان این حوزه را در نظر گرفته است. از جمله آن که برخی تحلیل کار این اجتماعی، مشارکت زنان در مشروطیت را آغاز نقشن نشان زنان کرده اند. در این مقاله با عنون زن و مشروطه ایران، به مطالعه تاریخ این دوران، نقش زنان در مبارزات سیاسی خواهی از آغاز تا صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس و دوره استعزازی و سپس از آن تا استقرار مجدد نظام پارلمانی در ایران، بیان شده است. در عین حال شرایط اندیشه ای حاکم بر جلیس و جامعه مشروطه خواهان از طرف های مختلف نظام را در ارتباط با سقاه زن و حقوق زنان مورد بررسی قرار داده است. البته پیشینه فرضی این تحقیق برای جرحیمستی بودن جنس مشروطه خواهی، مفاد بیان درجهان شایسته برای جلب گروه های مختلف اجتماعی از جمله زنان، نویسندگان به خود گاهای و در ک موقعیت فرودستی توسط آنها و در نتیجه فراهم نبودن زمینه برای جنبش زنان به دلیل فعال نبودن شکاف جنسی در جامعه آن روز است.



مشروطه خواهان قائل غم می شوند و تنها زنان جرات می یابند تا با دعوتی جمعی جوانان مجاهد را در زمین پروردان (۱) نامی که بازماندگان مشروطه طبعی از خوف نبرد و حبس و قتل در اختیار مقدور از آن خردوداری می کردند. همچنین چون در عرف اجتماعی زنان از ضمیمه میباشند، مأموران دولتی نیز چون شاد می دانستند که با این کار گلوژی شوند و از سوی دیگر گزینی از تحریک و شتم مردان به دلیل حرمت تنباکو میسر می شود. خوردن چربی میان آید و همین امر موجب پیشینه شدن کار در اعتراضات دیگر نیز بود. این اقدامات که در صورت نیاز به مخالفت با دولت، بلافاصله و به سرعت انجام می شد، حالت کامیبه بسیار خطرناک و مستفهم کننده بود.

تلاش در جهت تحکیم نظام پارلمانی

با مرگ مظفرالدین شاه طاعت ملت گزینی پس از اتمام مشروطیت، محمدمجلسی شاه دشمن سرخست مشروطیت را نهی کرد. اما مشروطه ادامه یافت و حمایت از نهضت ملی مردم مشروطه ادامه دادند و تدوین و تنظیم متن قانون اساسی برای رفع کاستی های این ابعاد برای تقویت اساسی ساختن نظام پارلمانی با تشکیل مجلس شورای ملی و انتخاب برابری سامان حاصلی خواستار تسریع در مضمق قانون اساسی از سوی نمایندگان شدند.

انحادهایی بیسوسن با ارسال نامه ای به قاضی و مشاور ندای علم از نمایندگان ملت قلم می خواهد که هر چه سریع تر متن مضمق قانون اساسی را تدوین و تصویب نموده به وضع می فرمایند. پس سرورسان مجلس خواهان ختمه شده و چنانچه استاعت این کار از نامزدان، استعفا نمود کار مملکت را بدست نماند (۲) نمایندگان به مخالفت شاه و طرفداران درباری این علاوه بر محمدمجلسی با بسیاری از اصول مضمق قانون اساسی به سازماندهی برخی اقدامات ایجابی پرداختند تا اساسی و افغانش را یکی از تالیف نگارگران و این نهضت خویش هفتند. در روزهای پنجشنبه ۱۳۰۳ ق. م در جشن هایی از کشور نودارک دیده شد، پیش شاه و در محفل آن گردان خود نمدی و از فرار فرگشتند. در اینجا نیز فریاد اعتراض زنان از تهران، اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.

زنان در این مرحله از نهضت ضمن ایراد از تجار از مردان مشروطه که آنان را ناردی می داشتند به سختی طغیان می نمودند. زنان در راه ملک و ملت و استحکام مملکت مشروطیت مردم را از امامگی می کشند و نسبت به بی عملی و کلاه مجلس شورای ملی و حیثیات و شوهرزایی خاتمه دادن به حرکات و مشایخ در تهران و اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.

زنان در این مرحله از نهضت ضمن ایراد از تجار از مردان مشروطه که آنان را ناردی می داشتند به سختی طغیان می نمودند. زنان در راه ملک و ملت و استحکام مملکت مشروطیت مردم را از امامگی می کشند و نسبت به بی عملی و کلاه مجلس شورای ملی و حیثیات و شوهرزایی خاتمه دادن به حرکات و مشایخ در تهران و اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.

زنان در این مرحله از نهضت ضمن ایراد از تجار از مردان مشروطه که آنان را ناردی می داشتند به سختی طغیان می نمودند. زنان در راه ملک و ملت و استحکام مملکت مشروطیت مردم را از امامگی می کشند و نسبت به بی عملی و کلاه مجلس شورای ملی و حیثیات و شوهرزایی خاتمه دادن به حرکات و مشایخ در تهران و اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.

زنان در این مرحله از نهضت ضمن ایراد از تجار از مردان مشروطه که آنان را ناردی می داشتند به سختی طغیان می نمودند. زنان در راه ملک و ملت و استحکام مملکت مشروطیت مردم را از امامگی می کشند و نسبت به بی عملی و کلاه مجلس شورای ملی و حیثیات و شوهرزایی خاتمه دادن به حرکات و مشایخ در تهران و اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.

به صورت مسالمت آمیز بود. در تهران زنان تلاش می کردند بر عرصه وحشت عمومی از دولت مدمدعی علیه شایع کرده، مردم را وادار به اعتراض کنند. در بازار پراکنده شده بازاریان را دعوت به قیام کرده که به اعتصاب آنان منجر شد. همچنین با پیروزی روزماندن مشروطه خواهان در تبریز، گیلان و اصفهان، زنان نیز اقدام به دعوت به مبارزه مسلحانه نمودند و عده ای مجاور از صدفرط سلطع به طایفه های شش لول در کوه های اطراف به شاه فحش داده، حرکت می کردند.

سهام زنان و پیروزی مبارزات مشروطه خواهی

اینکه چگونه جنبه های مشارکت و همراهی زنان در راه مبع مبارزه برای مشروطه خواهی تا پیروزی بیان شد، باید نمره این مبارزات و تلاشهای مبارزان را مورد بررسی قرار داد. بنابراین فراموش کرد که مرد ایرانی از آن زمان که تحت پیشوایی شیخامین، شیخان و تالیف خواهی ایرانی شدند، تیزبازی که به عنوان علایف مبارزات خودنظر داشتند، بنسب اعمال شده بود. فعالیت اجتماعی که مردم خود در آراه آن مهم باشند و توانمند از روز قضاوت خودکامه میباشند و طرفداران آنها را میباشند. در این صورت باید توجه داشت که زنان در این مبارزات نقش مهمی ایفا کردند. در این مبارزات زنان در این صورت باید توجه داشت که زنان در این مبارزات نقش مهمی ایفا کردند. در این مبارزات زنان در این صورت باید توجه داشت که زنان در این مبارزات نقش مهمی ایفا کردند.

۲- مشروطه خواهی سیاسی

پس از آنکه اهدافی که توسط زنان راه یکنی گذاران آگاه و تجدیدخواه، پیش از انقلاب مشروطه دنبال می شد و کامیابی نیز در راه تحقق آن مشاهده شد، بود. تأسیس مدارس دخترانه و علم و آموزش دختران زنان ایرانی بود. پس از تشکیل مجلس شورای ملی زنان در تحذیلبد در این زمینه جدیت بیشتری به عمل آوردند و به منظور آماده کردن افکار عمومی و جلب حمایت مشروطه خواهان به انتشار مقالات متعددی در روزنامه دست زدند.

برخی سوادآموزی زنان را از رویه منافع ملی طرح نمود و برخی دیگر این امر را حق انسانی زنان فارغ از تفکر این امر صادی و همسری او تلقی کردند.

این رابطه میان مشروطه خواهان تکرش این متغیاتی وجودداشت. عده ای از این امر را واجب دانستند. لذا اجباری شدن تعلیم را بدون محدودیتی در سوادآموزشی پیشنهاد می کردند، عده ای دیگر تربیت زنان را در امور که وظیفه شخصی آنهاست، واجب دانستند و مداخله آنها در حوزه های تخصصی مثل علوم پزشکی و امور سیاسی را لازم ندانستند و بالاخره دسته سوم با اتخاذ مواضع یکسان با سنت گرایان، به طور کلی با تأسیس مدارس دخترانه مخالف بودند (۳).

اما زنان پیش از آنکه منظر حمایت دولت و کمک های قانونی بمانند، به سازمان دهی خود پرداخته، به شیوه ای خلق به تأسیس اداره مدارس زنان دست زدند.

مدارس دخترانه علی رقم مکتب افروان مالی و با مسائلی خاص نظام آموزشی، در تهران و سایر مناطق کشور تأسیس یافت. چنانکه در سال ۱۳۲۹ ق. م فقط در تهران ۵۷ دبستان دخترانه وجودداشت که در سال ۱۳۳۱ این تعداد به ۲۶ دبستان افزایش یافت.

در سال ۱۹۱۳ میلادی روزنامه مشرفه به فرستادگی ۶ مدرسه دخترانه از کوه سفید، چند نمید چنین انجمنی تشکیل نمود. برخی هم برای مخالفت با این دلیل داشتند، می گفتند اجتماع گسترده ضروری ندارد. اما چون امکان این امر به خاطر ضعف معضد و فقر و به واسطه این انجمنیات بعضی اعضا تشکیل دادند، باید جلوتر می رفتند. این امر را راجع به بهیاد کرد، که او را از این برانداشت. البته چنین نمایانند که او را از این برانداشت. البته چنین نمایانند که او را از این برانداشت. البته چنین نمایانند که او را از این برانداشت.

زنان در این مرحله از نهضت ضمن ایراد از تجار از مردان مشروطه که آنان را ناردی می داشتند به سختی طغیان می نمودند. زنان در راه ملک و ملت و استحکام مملکت مشروطیت مردم را از امامگی می کشند و نسبت به بی عملی و کلاه مجلس شورای ملی و حیثیات و شوهرزایی خاتمه دادن به حرکات و مشایخ در تهران و اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.

زنان تحت قیومت رجال هستند. لذا آنها ابتدا حق انتخاب نخواهند داشت و دیگران باید حفظ حقوق زنها بکنند (۴).

شایان ذکر است محروم نمودن زنان از حق رای که با موافقت گرایان های سیاسی مختلف در مجلس انعام، شد و خارج از مجلس نیز از جانب طرفداران آنها و نشانی به دنبال داشت. برای نمونه روزنامه ایران تو از گان فرقه دمواتر ایران در گزارش مذاکرات مجلس شورای ملی در این باره به توضیحات مفید آقای مدرسی اشاره کرد است (۵).

حدود یک دهه بعد صدقه دولت آبادی در اعتراض به محروم بودن زنان از حق رأی نوشت: ما مجلسی اقصوس داریم که برادران ما وقتی نظامنامه انتخابات مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی و دلدول در می نوشند، برای اینکه ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجیب، ما را در قید قفل نگاه دارند و در کتیب و رشکستان ما را فراموش کرده اند که یک نفر نمی تواند در مجلس شرکت کند. ما را که صدقه دولت آبادی در این باره به توضیحات مفید آقای مدرسی اشاره کرد است (۶).

حدود یک دهه بعد صدقه دولت آبادی در اعتراض به محروم بودن زنان از حق رأی نوشت: ما مجلسی اقصوس داریم که برادران ما وقتی نظامنامه انتخابات مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی و دلدول در می نوشند، برای اینکه ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجیب، ما را در قید قفل نگاه دارند و در کتیب و رشکستان ما را فراموش کرده اند که یک نفر نمی تواند در مجلس شرکت کند. ما را که صدقه دولت آبادی در این باره به توضیحات مفید آقای مدرسی اشاره کرد است (۷).

حدود یک دهه بعد صدقه دولت آبادی در اعتراض به محروم بودن زنان از حق رأی نوشت: ما مجلسی اقصوس داریم که برادران ما وقتی نظامنامه انتخابات مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی و دلدول در می نوشند، برای اینکه ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجیب، ما را در قید قفل نگاه دارند و در کتیب و رشکستان ما را فراموش کرده اند که یک نفر نمی تواند در مجلس شرکت کند. ما را که صدقه دولت آبادی در این باره به توضیحات مفید آقای مدرسی اشاره کرد است (۸).

حدود یک دهه بعد صدقه دولت آبادی در اعتراض به محروم بودن زنان از حق رأی نوشت: ما مجلسی اقصوس داریم که برادران ما وقتی نظامنامه انتخابات مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی و دلدول در می نوشند، برای اینکه ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجیب، ما را در قید قفل نگاه دارند و در کتیب و رشکستان ما را فراموش کرده اند که یک نفر نمی تواند در مجلس شرکت کند. ما را که صدقه دولت آبادی در این باره به توضیحات مفید آقای مدرسی اشاره کرد است (۹).

زنان در این مرحله از نهضت ضمن ایراد از تجار از مردان مشروطه که آنان را ناردی می داشتند به سختی طغیان می نمودند. زنان در راه ملک و ملت و استحکام مملکت مشروطیت مردم را از امامگی می کشند و نسبت به بی عملی و کلاه مجلس شورای ملی و حیثیات و شوهرزایی خاتمه دادن به حرکات و مشایخ در تهران و اصفهان، تبریز، قزوین و سایر شهرها بلند شد و با تقدیم طلاق جواهرات و ظروف طلا و فرش های خود به انجمن های خودخواسته که از محل فروش آنان برای برداردن و خواهرانشان رفع حلقه طلمم می شود.